

بررسی ضعف صداقت (دروغگویی) در آموزه‌های قرآن*

□ سیدعلی نقی ایازی^۱

چکیده

سرمایه اجتماعی در هر نظامی، بر اعتماد و صداقت بنا شده است و به هر میزانی که این اعتماد افزایش یابد، میزان سرمایه اجتماعی افزایش خواهد یافت. اما اگر اعتماد متقابل کم‌رنگ شود و مردم به همدیگر اعتماد نداشته باشند، این مسئله در تقابل با سرمایه اجتماعی قرار می‌گیرد. قرآن به عنوان فرهنگ مکتوب جامعه مسلمانان می‌تواند در جهت شناسایی عوامل و آثار و تبعاتی که این نارسایی را ایجاد کرده است، ارائه‌ی طریق نماید. سؤال اصلی تحقیق، چیستی عوامل اجتماعی، تعاملات و آثار ضعف صداقت (دروغ) در آموزه‌های قرآن است که به منظور تأمین هدف، شناسایی عوامل مؤثر بر ضعف صداقت و واکاوی ریشه‌های آن، دستیابی به زمینه‌ها و شرایط وقوع نارسایی و شناخت تبعات و آثار آن، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. این مطالعه به شش عامل دروغگویی از میان آموزه‌های قرآن دست یافته که با تعاملات

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۳ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۸.

این مقاله مأخوذ از یک طرح پژوهشی است که پایان یافته است.

۱. استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (a.ayazi@isca.ac.ir).

فریکارانه توجیه‌سازهای گفتاری، ادبیات اقناعی و ابراز و تهییج احساسات و عواطف دروغین صورت می‌گیرد و دارای پیامدهای فراقکنانه، آسیب‌پذیر و همراه با تکرار دروغ و رسواکننده است.

واژگان کلیدی: ضعف صداقت، دروغ، اعتماد، جامعه‌پذیری دینی، آموزه‌های قرآن.

بیان مسئله

سرمایه اجتماعی در هر نظامی بر اعتماد و صداقت بنا شده است و به هر میزان که این اعتماد افزایش یابد، میزان سرمایه اجتماعی افزایش خواهد یافت و از این عنصر به عنوان نقطه کانونی سرمایه اجتماعی یاد می‌شود که در عرصه‌ها و موقعیت‌های مختلف، نقش تسهیلگر را ایفا می‌کند. لذا اگر اعتماد متقابل کم‌رنگ شود و مردم به همدیگر اعتماد نداشته باشند و دروغ در ارکان جامعه پدیدار شود، این مسئله در تقابل با سرمایه اجتماعی قرار می‌گیرد. امیرکافی (۱۳۸۰) در مطالعه خود نشان می‌دهد که بی‌اعتمادی، تأثیر کاهنده‌ای بر روابط و پیوند اجتماعی دارد و این امر زمینه مناسبی برای انزوای اجتماعی افراد فراهم می‌آورد. با این وصف، کم‌رنگ شدن اعتماد و حاکم شدن دروغ، سرمایه اجتماعی را از بین برده و نظام اجتماعی را مختل می‌سازد.

از دیگر سو، یکی از مختصات جامعه مطلوب و متمدن اسلامی، رشد و توسعه‌یافتگی اخلاقی افراد و نهادهای آن جامعه است. تجارب تاریخی جوامع مختلف بشری و آموزه‌های صریح دینی به روشنی گواهی می‌دهند که سعادت‌مندی جامعه، مبتنی بر حاکمیت فضای اعتماد به عنوان مهم‌ترین سرمایه اجتماعی در میان افراد آن جامعه است^۱ و تحقق این مهم، بسیار متأثر از التزام عملی به «آموزه اخلاقی صداقت» است. متأسفانه در جامعه امروز ایران نه تنها ضعف صداقت در غالب سطوح جامعه به‌وفور یافت می‌شود که رفته‌رفته به یک هنجار و به نوعی، از لوازم گریزناپذیر زندگی تبدیل شده است (جوادی یگانه، ۱۳۷۹؛ همو، ۱۳۸۲) و سوگمندانه اینکه هیچ نهاد فرهنگی به صورت

۱. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «شخص راستگو به خاطر صداقتش سه چیز را به دست می‌آورد: حسن اعتماد مردم، و جلب محبت و دوستی، و ابهت و شخصیت» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ح ۱۱۰۳۸). تزاید راستگویی بر فراوانی تعاملات صادقانه می‌افزاید و می‌تواند حاکمیت فضای اعتماد را به وجود آورد.

جدی و متمرکز به این مسئله در کشور نمی‌پردازد.^۱

با این وصف و با توجه به اینکه جامعه امروز ایران از حکومت دینی برخوردار است، سزاوار است که نهادهای گوناگون، خود را در برابر آموزه‌ها و تعالیم دین متعهد دانسته و تلاش کنند تا در تدابیر و تعلیمات، شیوه تعامل با مردم و نوع معیشت و تنظیم شکل‌های روابط اجتماعی، دغدغه دین داشته باشند و در تمام شئون از تعالیم دینی الهام گرفته و با آن هماهنگ شوند. این مهم، رجوع به فرهنگ دین را دوجندان می‌کند. قرآن به‌عنوان فرهنگ مکتوب جامعه مسلمانان می‌تواند در جهت شناسایی، عوامل و ریشه‌ها و آثار و تبعاتی که این نارسایی را ایجاد کرده، ارائه طریق نموده و راه حل‌ها و پیشنهاداتی به منظور ارتقای صداقت عرضه نماید.

بنابراین سؤال اصلی تحقیق در این مطالعه، چیستی عوامل اجتماعی، زمینه‌ها، تعاملات و شرایط و آثار وقوع ضعف صداقت (دروغگویی) در آموزه‌های قرآن است و در این مسیر، به واکاوی ریشه‌ها، زمینه‌ها و شرایطی که ضعف صداقت را به وجود می‌آورد، خواهد پرداخت.

هدف از این مطالعه، شناسایی عوامل مؤثر بر ضعف صداقت و واکاوی ریشه‌های آن، دستیابی به زمینه‌ها و شرایط وقوع ناراستی و شناخت تبعات و آثار آن مبتنی بر آموزه‌های قرآن خواهد بود.

ادبیات تحقیق

در این زمینه پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است که برخی از آن‌ها به بررسی ضعف صداقت در تعالیم دین پرداخته و در مواردی مطالعات میدانی انجام شده است. در مقاله «اصل صداقت در قرآن و تحلیل موارد جواز کذب»، ابتدا به تبیین اصل صداقت و اهمیت آن پرداخته شده و آنگاه با ارائه معیار صدق و کذب و تحلیل آیات و روایات مربوطه، موارد جواز کذب از نظر حکم و عدم تحقق کذب از نظر موضوع

۱. دلیل بر عدم وجود متولی نهاد فرهنگی، افزایش رو به تزاید این نابهنجاری است که در پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌ها، موج سوم آن در سال ۱۳۹۴ بدان اشاره شده است و اعتماد در سطح خرد که در سال‌های قبل وضعیت بهتری داشت، در سال‌های اخیر شرایط بغرنج‌تری دارد.

بررسی گردیده و پاره‌ای برداشت‌های نادرست به نقد کشیده شده است. نویسنده بر این باور است که عدم تبیین جایگاه صداقت در کنار برداشت‌های ناستوار از موارد مجاز کذب، از جمله علل کم‌توجهی به این اصل در جامعه و موجه پنداشتن بسیاری از دروغگویی‌ها می‌گردد (ایروانی، ۱۳۹۰: ۱۱۱-۱۳۶).

مطالعه «عوامل مؤثر بر دروغگویی» به بررسی دروغگویی در کودکان و بزرگسالان پرداخته و بیشتر رویکرد تربیتی داشته و از منظر روان‌شناختی و جامعه‌شناسانه تحلیل صورت گرفته است و به شیوه‌های شناخت عوامل دروغگویی و همچنین پیشگیری و درمان آن پرداخته است (سیلانیان طوسی، ۱۳۷۹: ۱۷۹-۲۰۲).

در «مطالعه جامعه‌شناختی رعایت هنجار اخلاقی صداقت در جوانان با تأکید بر روش‌های تربیتی خانواده و مدرسه»، صداقت به چهار بعد اصلی تقسیم شده است. سه بعد آن، صبغه محتوایی داشته و بعد چهارم صداقت که عام‌گراست، دامنه به کارگیری هنجار صداقت را کانون توجه قرار داده است. نتایج تحلیل دوجه‌دو و چند متغیری، فرضیات تحقیق را تأیید می‌کنند. معادلات رگرسیون چندگانه نشان می‌دهند که در سطح خانواده، متغیرهای تعهد، احساس تعلق و وسعت اعتماد خانواده، بر تقویت رعایت هنجار صداقت در جوانان نمونه تحقیق مؤثر هستند. در سطح مدرسه، تقویت هویت دانش‌آموزی، کاهش خشونت مدرسه‌ای، عدم فشار به علت کسب نمره کم، و رعایت هنجار انصاف در مدرسه، برای تقویت تمایل به رعایت هنجار صداقت بسیار اساسی‌اند. در نهایت در سطح جامعه، معادلات رگرسیون نشان می‌دهند که احساس عدالت اجتماعی و رعایت هنجار صداقت در جامعه، متغیرهای کلیدی پرورش هنجار صداقت در جوانان هستند (نقدی و تولایی، ۱۳۹۲: ۱۵۵-۱۷۹).

یافته‌های «مطالعه جامعه‌شناختی دروغگویی در روابط بیناجنسی» حاکی از آن است که عواملی مانند احساس ناامنی، وابستگی اقتصادی به همسر، به دست آوردن دل همسر، و عدم تفاهم و اطمینان به رابطه زناشویی، منجر به دروغگویی می‌شوند. همچنین عواملی مانند تسهیل و کسب رضایت متقابل، کنترل و حریم‌شناسی، و عدم استقلال در زندگی، منجر به دروغگویی می‌شوند (قاسمی و محدثی گیلوایی، ۱۳۹۶: ۸۷-۱۱۶).

علی‌رغم مطالعات صورت گرفته در این موضوع، تمایز این تحقیق در جهات ذیل است:

الف) این مطالعه با بررسی ضعف صداقت در آموزه‌های قرآن به روش تحلیل محتوای کیفی استقرایی، به ریشه‌یابی فقدان و یا ضعف صداقت و پیامدهای مترتب بر آن می‌پردازد.

ب) از دیگر سو نیز باید توجه داشت که مسئله به این مهمی، نیازمند به واکاوی دارد تا به دلایل ایجابی و رواج افسارگسیخته آن در بین جامعه بر اساس دلایل بیان‌شده قرآنی پرداخت. به عبارتی، تحقیق از منظر قرآنی و رویکرد اجتماعی در این زمینه وجود ندارد و این تحقیق می‌تواند این خلأ را جبران کند.

چارچوب مفهومی

در تحقیق کیفی، از چارچوب مفهومی به جای چارچوب نظری استفاده می‌شود و پژوهشگر بر اساس آن، درباره روابط بین متغیرهای مسئله تحقیقش به نظریه‌پردازی می‌پردازد. بر این اساس، مفاهیمی که در فرایند تحقیق از آن بهره برده شده، مورد تتبع قرار می‌گیرد.

سرمایه اجتماعی: مجموعه منابع مادی یا معنوی است که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه‌شده آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشد (بورديو و وککوانت، ۱۹۹۲: ۱۱۹، به نقل از: فیلد، ۱۳۹۲: ۳۱).

در این بین، اعتماد رکن بنیادین در سرمایه اجتماعی است؛ زیرا انسان‌ها در هر جامعه‌ای برای رفع نیازهایشان مجبور به برقراری رابطه با دیگران هستند. یکی از مهم‌ترین لوازم ارتباط مفید در سطح هر جامعه، اعتماد است. اعتماد در حفظ حیات اجتماعی و نظم و استقرار پیوندهای میان اعضای جامعه مؤثر است؛ زیرا بر مبنای وجود اعتماد است که آدم‌ها میل به مشارکت و تعامل مثبت با دیگران پیدا می‌کنند. صداقت شکل‌دهنده اعتماد بین آحاد جامعه است.

صداقت: عدم تضاد و تعارض میان افکار، الفاظ و اعمال افراد را صداقت گویند و فرد زمانی صادق نامیده می‌شود که تضاد آشکار و پنهانی در نیت و کنش وی مشاهده

نشود. صداقت باید در ابتدا در درون خود فرد متجلی شود و سپس در برابر دیگران در معرض ظهور قرار گیرد.

ضعف صداقت: عبارت است از ناراستی و نارسایی‌هایی که در مسیر راستگویی به وجود می‌آید و شخص مبتلا به دروغگویی و اختفای حقیقت می‌شود. در حوزه چستی مفهومی مسئله، به دو شکل مفهوم صداقت معرفتی و اخلاقی خواهیم پرداخت. به عبارت روشن‌تر، مقصود بررسی صرف تطابق مدلول با محکی خارجی نیست، بلکه شامل وضعیت تطابق در نیت با گفتار و عمل (بود و نمود) نیز می‌شود و مراد از ضعف صداقت در این مطالعه دروغگویی است.

راستگویی: دامنه صداقت شامل عدم تعارض و تضاد میان الفاظ، نیات و اعمال افراد می‌شود؛ مانند وفای به عهد، راست‌گفتاری، عدم نفاق، عدم خیانت و.... در حالی که راستگویی به عنوان یکی از اساسی‌ترین پایه‌های صداقت، فقط به عدم تعارض میان گفتار و نیت اشاره می‌کند و یکی از مصادیق صداقت شمرده می‌شود. در این میان، اسلام در میان موضوعات مربوط به آداب معاشرت، اهمیت بسیاری به صدق و راستگویی داده است. مهم‌ترین سرمایه یک جامعه، اعتماد متقابل و اطمینان عمومی است و این سرمایه با دروغ و ناراستی می‌تواند به نابودی منجر شود.

دروغ: عبارت است از اظهار و بیان چیزی که فرد بدان اعتقاد ندارد و قصد فریب شنونده را دارد. خلاف واقع‌گویی لزوماً دروغ نیست. اگر شخص باوری خطا از واقع داشته باشد و صادقانه این باور خود را اظهار نماید، نمی‌توان او را دروغگو دانست؛ هرچند که خلاف واقع گفته است. دروغ‌گویی هنگامی صدق می‌کند که شخص برخلاف باور خود درباره واقعیت سخن یا عمل نماید.

آموزه‌های قرآن: عبارت است از درک بین‌الاذهانی مترجمان و مفسران از آیات قرآن.

روش تحقیق

در تحلیل محتوای کیفی استقرایی، پژوهشگر قصد دارد به لایه‌های پنهانی متن و مراد واقعی تولیدکننده پیام دست یابد و بر اساس آن، خطوط فکری پدیدآورنده را

شناسایی کند. در این تجزیه و تحلیل، اهداف، ارزش‌ها، فرهنگ و... مورد بررسی قرار گرفته تا زمینه برای فهم دقیق‌تر فراهم آید. چنین تجزیه و تحلیلی، با توجه به فهم دقیق از بستر تولید متن و محیطی که متن در آن ظهور یافته است، محقق خواهد شد و می‌تواند منجر به تفسیری واقع‌بینانه و نزدیک به مراد نویسنده شود. بنابراین «در تحلیل محتوای کیفی، نارسایی‌های موجود باعث ورود فعال محقق در فرایند تحقیق شده و منجر به فهم موضوع تحقیق با در نظر داشت زمینه ارتباطی - مانند نیت نویسنده متن و بافت فرهنگی موضوع - و مختصات متن - مانند بافت غیر زبانی، نشانه‌شناسی دستوری و... می‌شود» (Mayring, 2003: 267); چنان که «در تحلیل محتوای کیفی، استخراج مقولات از متن و سپس طراحی مدل‌ها و نقشه‌های مفهومی صورت می‌گیرد. با این وصف، استفاده منطقی استقراء در آن پذیرفتنی است» (Elo & Kyngäs, 2008: 107). نطق استقراء در سه مورد می‌تواند استفاده شود: به منظور تبدیل داده‌های خام گسترده به مجموعه‌ای از اطلاعات کوتاه و تلخیص شده، ایجاد پیوندهای واضح و شفاف بین داده‌های پراکنده (این خصوصیت می‌تواند قابلیت نمایش به دیگران را تسهیل کند) و توسعه مدل یا نظریه در مورد ساختار موضوع مورد مطالعه (با توجه به داده‌های خام) (Thomas, 2006: 237-246).

بنابراین به منظور دستیابی به توسعه مفهومی ضعف صداقت و عوامل مؤثر بر آن، نخستین مرحله، گردآوری داده‌ها از میان آیات وحی است. آنچه خلاقیت و اتقان کار را در این زمینه تضمین می‌کند، احاطه پژوهشگر به دو دانش تفسیر اجتماعی آیات وحی و جامعه‌شناسی اخلاق و سرمایه اجتماعی است. در این میان، گرایش تفسیر اجتماعی از اهمیت بیشتری برخوردار است که به منظور تشریح و تأیید بر مفهوم‌پردازی‌های صورت گرفته، در فرایند انجام کار مدنظر بوده است. «مقصود از تفاسیر اجتماعی، مجموعه‌ای از شروح، توضیحات، استنباطات و تحلیل‌هایی است که مفسران در طی قرون و اعصار در ذیل آیات اجتماعی قرآن مجید عرضه کرده‌اند. آیات اجتماعی نیز به آیاتی اطلاق می‌شود که به زندگی اجتماعی انسان و لوازم و آثار و پیامدهای آن مربوط باشد» (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۸: ۱۷۰).

قابلیت اعتبار در تحلیل محتوای کیفی

یکی از مسائل اساسی در عرصه پژوهش، سنجش صحت و دقت یافته‌های تحقیق است. از این جهت، توجه به ارزیابی‌های علمی به منظور افزایش مشروعیت و مقبولیت علمی نتایج پژوهش، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. از این اقدام در پژوهش‌های کیفی، تعبیر به قابلیت اعتبار می‌شود. قابلیت اعتبار در این پژوهش، مبتنی بر چگونگی داوری درباره شباهت‌های درونی و تفاوت‌های بین مفاهیم و مقوله‌هاست و با استفاده از دو روش صورت گرفته است. اول اینکه نشان دهیم عبارات (مفاهیم و مقولات)، بیانگر یا معرف رونوشت‌برداری از متن هستند، لذا با استفاده از تفاسیر مختلف تلاش شده تا مفهوم‌پردازی و مقوله‌بندی‌ها مستدل شود؛ و دیگری حاصل توافق میان پژوهشگران و کارشناسان در طول تحقیق بوده است. اگرچه درباره لزوم چنین توافقی، آراء متفاوت وجود دارد؛ چون صاحب‌نظران بر این باورند که واقعیت، ماهیت چندگانه داشته و آن هم بستگی به چگونگی تفسیر ذهنی دارد، لذا توافق میان پژوهشگران، کارشناسان و مشارکت‌کنندگان در تحقیق بحث‌برانگیز می‌شود (ایمانی و نوشادی، ۱۳۹۰: ۳۴). با این وصف که واقعیت، ماهیتی ذهنی و چندگانه دارد، می‌توان از ارزش گفت‌وگو و توافق در بین پژوهشگرانی که درباره یک موضوع مطالعه می‌کنند، دفاع کرد. این گفته به معنای انجام مقوله‌بندی داده‌ها دقیقاً به یک صورت نیست؛ بلکه به معنای توافق کارشناسان درباره شیوه‌ای است که به طبقه‌بندی داده‌ها می‌انجامد (همان).

بنابراین، شکل دیگر قابلیت اعتبار در این مطالعه، نشان دادن رابطه بین کدگذاران (داوران) در نتایج کدگذاری بوده و به معنای میزان توافقی است که کدگذاران مستقل، هنگام ارزیابی ویژگی‌های یک پیام یا متن به دست می‌دهند. واژه خاص مورد نظر برای سازگاری در تحلیل محتوا، «توافق بین کدگذاران» است و این امر در تحلیل محتوا مورد نیاز است؛ زیرا میزان کمیت‌های مشابهی را که قضاوت‌های متفاوت به هر پدیده می‌دهند، اندازه می‌گیرد.

یافته‌های تحقیق

۱. عوامل مؤثر بر ضعف صداقت (دروغگویی)

منظور از عوامل مؤثر بر ضعف صداقت، آن دسته از عوامل و انگیزه‌هایی است که باعث شکل‌گیری ناراستی می‌شود. آموزه‌های قرآنی به برخی از این عوامل اشاره می‌کند.

۱-۱. پندار ناصواب

پندارهای ناصواب در بین افراد می‌تواند منجر به ضعف صداقت شود؛ برای مثال، نوع و شکل پرستش در بین اعراب صدر اسلام، باور نادرستی در آن‌ها به وجود آورده بود، به طوری که شکل پرستش‌های جدید را نمی‌پذیرفتند. آیه ۴ سوره ص به متعجب شدن اعراب اشاره می‌کند که رسالت پیامبر عظیم‌الشان را نمی‌پذیرفتند: ﴿وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَاْفِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ﴾. تفسیر نمونه در ذیل این آیه چنین می‌نویسد:

«تعجب آن‌ها از این بود که محمد ﷺ یک نفر از خود آن‌هاست؛ چرا فرشته‌ای از آسمان نازل نشده؟ آن‌ها این نقطه بزرگ قوت را نقطه ضعف می‌پنداشتند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۹/۲۱۵-۲۱۶).

این پندار نادرست، که فرستاده خدا لازم است فردی از جنس متفاوت باشد، مصداقی از عدم صداقت معرفتی است که منجر به عدم پذیرش دعوت به یکتاپرستی و عبودیت شده و اینکه فرستاده خدا را صادق ندانند.

آیه ۱۰۲ سوره بقره، مصداقی دیگر از پندار ناصواب و عدم صداقت معرفتی علمای یهود را در مواجهه با رسول اکرم ﷺ بیان می‌کند؛ چنان که یهودیان، حضرت سلیمان عَلَيْهِ السَّلَامُ را به سحر متهم ساخته و به دروغ‌پردازی در این زمینه می‌پرداختند. تفسیر نمونه در ذیل این آیه چنین می‌نویسد:

«هنگامی که پیامبر اسلام ﷺ ظهور کرد و ضمن آیات قرآن اعلام نمود سلیمان از پیامبران خدا بوده است، بعضی از احبار و علمای یهود گفتند: از محمد تعجب نمی‌کنید که می‌گوید سلیمان پیامبر است، در صورتی که او ساحر بوده؟ این گفتار یهود علاوه بر اینکه تهمت و افترای بزرگی نسبت به این پیامبر الهی محسوب می‌شد، لازمه‌اش تکفیر سلیمان عَلَيْهِ السَّلَامُ بود؛ زیرا طبق گفته آنان، سلیمان مرد ساحری بوده که

خود را به دروغ پیامبر خوانده و این عمل موجب کفر است» (همان: ۱/۳۷۱).

۲-۱. غلبه غرایز بر عقلانیت

بهره‌مندی از قوه تفکر و تعقل، وجه تمایز آدمی از سایر موجودات شمرده می‌شود. حال اگر غلبه عقلانیت بر غرایز با مدیریت عقلانی فعال عمل نکند، باعث قهقرای انسان می‌شود و عموماً عصیان و نابهنجاری‌ها در این سطح از روابط است که محقق می‌شود؛ زیرا وجود آدمی، مرکب از قابلیت‌های دوگانه غرایز و فطرت‌های کمال‌جویانه است و این دسته از کمالات با تدبیرهای عقلانی مدیریت می‌شود؛ در حالی که هوس‌ها و امیال انسانی، وی را به سوی پلیدی فرا می‌خواند. لذا اگر از نعمت خداداد عقل به خوبی بهره‌برداری شود، هرگز کرامت انسانی فدای پستی‌ها و پلشتی‌های حیوانی نشده و باعث مصونیت آدمی از نابهنجاری‌ها می‌شود. این در حالی است که دروغ به عنوان یکی از نابهنجاری‌های رایج در بین آحاد مردم، می‌تواند معلول غلبه غرایز بر عقلانیت باشد.

با این وصف، گاهی اوقات تضاد و اصطکاک منافع باعث می‌شود که قوه عاقله به داوری بنشیند و دست به انتخاب زند؛ چون در غیر این صورت، حساسیت این گزینه می‌تواند موجب انحراف شود و مبتنی بر آن، ظلم و تجاوز به حقوق سایر آحاد جامعه نیز به وجود آید.

این دسته از غرایز که می‌تواند باعث وقوع دروغ‌پردازی شود، به شرح ذیل است:

۱-۲-۱. غریزه صیانت نفس و فرار از مجازات

انسان موجودی اجتماعی و مدنی بالطبع است که با زندگی گروهی و غریزه صیانت نفس، زمینه‌ساز تلاش‌های وسیعی در جهت حفظ و حراست منافع فردی و جمعی می‌شود. تضاد و اصطکاک منافع افراد اجتماع که در بسیاری از موارد، لازمه طبیعی زندگی اجتماعی است، این غریزه را از حساسیت ویژه‌ای برخوردار نموده و به شدت آن را در معرض خطر انحراف از مجرای طبیعی قرار داده است و در مواقعی، این دسته از تعارضات موجب وقوع دروغ‌پردازی می‌شود.

بر این اساس، یکی از آیاتی که دروغ‌گویی را معلول غریزه صیانت نفس و فرار از

مجازات معرفی می‌کند، آیه ۲۵ سوره یوسف است که به داستان مواجهه حضرت یوسف علیه السلام و همسر عزیز مصر می‌پردازد: ﴿وَأَسْتَبِقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَالْفَتْيَا سَيِّدَهَا لَدَى الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾.

«آن دو (حضرت یوسف علیه السلام و همسر عزیز مصر)، آقای آن زن را دم در یافتند. در این هنگام که همسر عزیز از یکسو خود را در آستانه رسوایی دید و از سوی دیگر، شعله انتقام‌جویی از درون جان او زبانه می‌کشید، نخستین چیزی که به نظرش آمد این بود که با قیافه حق به‌جانبی رو به سوی همسرش کرد و یوسف را با این بیان متهم ساخت: «صدای زد کیفر کسی که نسبت به اهل و همسر تو، اراده خیانت کند، جز زندان یا عذاب الیم چه خواهد بود؟!» نکته قابل توجه دیگر اینکه همسر عزیز مصر، هرگز نگفت یوسف قصد سوئی درباره من داشته، بلکه درباره میزان مجازات او با عزیز مصر صحبت کرد؛ آن‌چنان که گویی اصل مسئله مسلم است و سخن از میزان کیفر و چگونگی مجازات اوست» (همان: ۳۸۳/۹-۳۸۴).

آیه یادشده، به غریزه تلاش آدمی برای حفظ خویش اشاره دارد. همسر عزیز مصر به منظور صیانت خویش از مجازات همسر، ناگزیر به دروغ‌پردازی و خلاف واقع شد؛ چون یکی از راه‌های شناخت امر نابهنجار، پذیرش اجتماعی مجازات است. بدین معنا که فرد نابهنجار از سوی آحاد جامعه مستحق مجازات شناخته می‌شود و دروغگو برای فرار و رهایی از مجازات و صیانت نفس، دست به خلاف واقع‌گویی می‌زند. گفتار همسر عزیز مصر مبنی بر اینکه وی (یوسف) قصد خانواده‌ی تو را کرده، دروغی است به منظور رهایی از اتهام و عدم مجازات و بقاء.

آیه دیگری که دروغ‌گویی را نتیجه غریزه صیانت نفس و فرار از مجازات معرفی می‌کند، آیه ۴۹ سوره نمل است: ﴿قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ﴾.

این آیه به واقعه سوءقصد به صالح نبی می‌پردازد که پس از تصمیم به سوءقصد، متقاسمین هم‌قسم می‌شوند که پس از قتل نبی، اظهار بی‌اطلاعی کرده و خویش را از سوءقصد بی‌اطلاع معرفی کنند تا نسبت به این واقعه مجازات نشوند؛ بدین‌منظور از تعابیری چون قسم یاد کردن و تأکید در ساختار کلام استفاده کردند تا مخاطب را اقناع کنند.

«لَبِيتَهُ» از ماده «تَبَّيت» به معنای شیخون زدن و حمله غافلگیرانه شبانه است. این تعبیر نشان می‌دهد که آن‌ها در عین حال از طرفداران صالح بیم داشتند و از قوم و قبیله‌اش وحشت می‌کردند. لذا برای اینکه به مقصود خود برسند و در عین حال گرفتار خشم طرفداران او نشوند، ناچار نقشه حمله شبانه را طرح کردند و تبانی کردند که هر گاه به سراغ آن‌ها بیایند - چون مخالفت آن‌ها با صالح از قبل معلوم بود - متفقاً سوگند یاد کنند که در این برنامه مطلقاً دخالتی نداشته و حتی شاهد و ناظر صحنه هم نبوده‌اند! (همان: ۴۹۶/۱۵-۴۹۷).

۲-۲-۱. غریزه خودخواهی

یکی از زشت‌ترین خصلت‌های بشری که ریشه در غریزه خودخواهی دارد، حسادت است. شخص حسود همه چیز را برای خویش می‌خواهد و از آسایش و پیشرفت دیگران ناراحت شده و رنج می‌برد. رنج خود را به صورت آزار به دیگران، فریب و بدگویی اظهار می‌دارد و به جای تلاش در مسیر تعالی خویش، سعی در اسقاط و تخریب دیگران دارد. وجود این صفت رذیله در آدمی می‌تواند مسبب نابهنجاری شود. در قرآن از آن به عنوان عامل دروغگویی یاد شده است. از مفاد آیات ۱۱ و ۱۲ سوره یوسف استفاده می‌شود که حضرت یعقوب عَلَيْهِ السَّلَامُ از حسادت ورزی فرزندانش نسبت به حضرت یوسف اطلاع داشت؛ لذا از اطمینان ورزیدن به ایشان ابا کرد و به این گفتار فرزندان که ما خیرخواه او هستیم، اعتنایی نکرد (مدرسی، ۱۴۱۹: ۱۶۹/۵).

کنش فریبکارانه و همراه با نیرنگ دروغگو، به منظور بازسازی وجه شخصیتی و اعتباری خویش صورت می‌گیرد. در این مسیر، با توجیه‌سازی و استفاده ابزاری از ادبیات به ظاهر اقناعی، مخاطب را دچار محذور کرده تا به مقصود خود نائل آید. در آیات یادشده، برادران حضرت یوسف پس از چرب‌زبانی و تعاملات مزورانه نسبت به پدر، به مقصود خود که اخذ اجازه برای همراهی یوسف بود، دست یافتند. لذا «در جمله ﴿وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾ کلام را به چند وجه تأکید کردند: یکی به «إِنَّ» و یکی به «لَام» و یکی هم به اینکه جمله را اسمیه آوردند؛ همان طور که در جمله ﴿وَإِنَّا لَهُ لَتَأْصِحُونَ﴾ نیز همین تأکیدها را به کار بردند و در هر دو جمله به نوعی پدر را دلخوش ساختند. گویا گفتند: چرا ما را بر یوسف امین نمی‌دانی؟! ... [لذا] در کلام خود، ترتیب طبیعی

را رعایت کرده، اول گفتند که او از ناحیه ما تا هستیم و هست، ایمن است. آنگاه پیشنهاد کردند که او را صبح فردا با ما بفرست و سپس گفتند تا زمانی که نزد ماست، از او محافظت می‌کنیم» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱/۱۳۱).

مصدیقی دیگر برای عامل غریزه خودخواهی و حسادت‌ورزی با ابراز احساسات و عواطف دروغین، آیه ۱۶ سوره یوسف است: «و شامگاهان، گریان نزد پدر خود [باز] آمدند». با استفاده از واژگان برخوردار از بار عاطفی و احساسی در نظر داشتند احساسات و عواطف را تحریک کرده و خود را از کردار ناروا تبرئه نمایند. نویسنده تفسیر نمونه در ذیل آیه چنین می‌نویسد:

«سخنان برادران خیلی حساب شده بود. اولاً پدر را با کلمه "یا اَبانا" (ای پدر ما) که جنبه عاطفی دارد، مخاطب ساختند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۹/۳۴۴).

با توجه به مفاد آیه ۱۷ سوره یوسف و تفاسیر موجود در ذیل این آیه استفاده می‌شود که حسادت برادران حضرت یوسف عَلَيْهِ السَّلَام موجب شد تا او را تا آستانه مرگ برده و به پدرشان حضرت یعقوب عَلَيْهِ السَّلَام، گزارش غیر واقع دهند.

نویسنده تفسیر المیزان در تفسیر آیه ۱۸ سوره یوسف: «وَجَاؤُوا عَلَيَّ قَمِيصَهُ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْراً فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ» نوشته است که حضرت یعقوب عَلَيْهِ السَّلَام در پاسخ فرزندان چنین گفت:

«فرمود: "بلکه نفس شما امری را بر شما تسویل کرده" و "تسویل" به معنای وسوسه است و معنای پاسخ او این است که: قضیه این طور که شما می‌گویید، نیست؛ بلکه نفس شما در این موضوع، شما را به وسوسه انداخته و مطلب را مبهم کرده و حقیقت آن را معین ننموده» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۱/۱۴۰).

۳-۲-۱. منفعت جویی و علاقه مفراط به ثروت و سرمایه

علاقه مفراط به ثروت و سرمایه و درونی شدن آن به عنوان ارزش در جامعه، می‌تواند منجر به ضعف صداقت، دروغ‌گویی و پرهیز از واقعیت‌گویی شود. مهم‌ترین دلیل این وضعیت (علاقه مفراط به ثروت و سرمایه) اشباع‌ناپذیری آدمی است. لذا برای بیشتر به دست آوردن از ارتکاب ناپهنجاری ابایی ندارد و حتی ناراستی‌ها را نیز توجیه می‌کند. عدم انطباق عملکرد با باور در موارد یادشده، از مصادیق ضعف صداقت شمرده می‌شود.

مفاد آیه ۴۲ سوره توبه به منفعت جویی منافقان اشاره می‌فرماید: ﴿لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَكِنْ بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ السُّعْيَةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَظَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾. تفسیر المیزان در ذیل آیه چنین می‌نویسد:

«این‌ها با این طریقه‌ای که در امر جهاد اتخاذ کرده‌اند که هر وقت آسان و پردرآمد بود، شرکت کنند و هر وقت دور و پرمشقت بود، تخلف نموده و عذرها و سوگند دروغین بیاورند، خود را هلاک خواهند کرد و خدا می‌داند که در سوگندشان دروغگویند» (همان: ۳۸۱/۹).

آیه ۶۶ سوره اعراف نیز دلیل نافرمانی و نسبت دادن دروغ به حضرت هود علیه السلام را خصوصیت برخوردار از ثروت و مکتب افرادی خودخواه و کفرپیشه معرفی می‌کند: «ثروتمندان از خود راضی که قرآن از آن‌ها تعبیر به ملامت کرده است، یعنی ظاهر آن‌ها چشم‌پرکن بود، به هود همان گفتند که قوم نوح به نوح گفته بودند؛ بلکه نسبت سفاهت نیز به او دادند، گفتند ما تو را در سفاقت و سبک‌مغزی می‌بینیم و گمان می‌کنیم تو از دروغگویان باشی» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۲۷/۶).

آیات ۲۷ سوره هود و ۲۴ سوره مؤمنون نیز دلیل نافرمانی و نسبت دادن دروغ به حضرت هود علیه السلام را خصوصیت برخوردار از ثروت و مکتب افرادی خودخواه و کفرپیشه معرفی می‌کند.

آیه دیگری که دلیل دروغگویی را منفعت‌جویی می‌شمرد، آیه ۷۹ سوره بقره است: ﴿قَوْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُوبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا قَوْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ﴾.

۳-۱. اختلال در جامعه‌پذیری دینی

یکی از دلایل دروغ‌پردازی از منظر قرآن، کفرورزی و عدم التزام به باورهای دینی است که علی‌رغم مشاهده دلایل آشکار، حقایق را نپذیرفته و حتی انکار می‌کنند و دروغ می‌گویند. ایمان و موضوعات پیرامونی، از موضوعات بنیادین در شریعت بوده که مورد توجه بسیاری از متفکران، اعم از روان‌شناسان، فلاسفه، جامعه‌شناسان و متکلمان قرار گرفته است؛ چون شناخت ماهیت ایمان و جوانب آن می‌تواند ما را در شناسایی شخصیت

انسان از یک طرف، و شناسایی دین و دیانت از دیگر سو یاری رساند.

ایمان در تعالیم دینی، اذعان و تصدیق به چیزی و التزام به لوازم آن تعریف شده است؛ چنان که ایمان به خدا در فرهنگ قرآن به معنای تصدیق به یگانگی او و پیغمبران و تصدیق به روز جزا و بازگشت به سوی او و تصدیق به هر حکمی است که فرستادگان او آورده‌اند؛ البته تا اندازه‌ای با پیروی عملی، نه اینکه هیچ پیروی عملی در کار نباشد؛ چنان که قرآن، هر جا صفات نیک مؤمنان را می‌شمارد و یا از پاداش جمیل آن‌ها می‌گوید، به دنبال ایمان، عمل صالح را هم ذکر می‌کند. پس صرف اعتقاد، ایمان نیست، مگر آنکه به لوازم آن چیزی که بدان معتقد شده‌ایم، ملتزم شویم و آثار آن را بپذیریم (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۴/۱۵). با این تعریف، ایمان مرحله‌ای فراتر از اسلام است که با درونی‌سازی عناصر دینداری، فرد را پایبند به دین می‌کند.

اجتماعی شدن یا جامعه‌پذیری، فرایندی است که اعضای جامعه می‌آموزند با یکدیگر ارتباط برقرار کنند و نسل‌های متوالی، آموزش‌هایی را که برای حفظ حیات جامعه لازم است، فرا می‌گیرند و به نسل‌های بعدی انتقال می‌دهند (کونن، ۱۳۷۴: ۱۲۶). ایمان عنصر محتوایی در جامعه دینی است که با درونی شدن در آحاد اعضای جامعه، حفظ حیات اجتماعی و آمادگی برای عمل را در کنشگر فراهم می‌کند.

جامعه دینی نیازمند اشاعه و تعمیق عناصر دینداری در بین پیروان خویش بوده تا به کارکرد حفظ بقای نظام اجتماعی کمک کند و هر گونه اختلال در این فرایند می‌تواند منجر به ناکارآمدی و بروز نابهنجاری‌ها، مسائل و احياناً بحران‌های اجتماعی شود. رواج دروغگویی یکی از مسائلی است که می‌تواند نتیجه اختلال در این فرایند باشد.

بر اساس آیه ۱۱۰ سوره مائده: ﴿إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ وَالِدَتِكَ إِذْ أَبَيْتُكَ بَرُوحَ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ﴾، اختلال در فرایند جامعه‌پذیری و درونی نشدن باور به رسالت حضرت عیسی در بین بنی‌اسرائیل، منجر به تکذیب آن حضرت شد و دلیل بر آن، صدور معجزات گوناگون از سوی پیامبر بود؛ ولی آنان حمل بر سحر و جادوگری

کردند و این دروغی آشکار از سوی آنان بود؛ چنان که در آیه ۳۴ سوره شعراء، می‌توان دروغ‌پردازی فرعون به عنوان فردی کفرپیشه در نوع خطابش به حضرت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ و جادوگر خواندن او را به این امر منتسب کرد.

شکلی دیگر از تحریفات با استفاده ابزاری از دروغ به منظور تضعیف دینداری در بین آحاد جامعه است که این خود نتیجه اختلال در جامعه‌پذیری دینی است. در آیات ابتدایی سوره صف، خداوند کسانی را که با علم به حقانیت نبوت حضرت موسی و عیسی عَلَيْهِمَا السَّلَامُ از آنان نافرمانی کرده و مانع رسالت ایشان می‌شوند و دروغ می‌گویند، ستمگر می‌خواند: ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ﴾ (صف / ۷-۸).

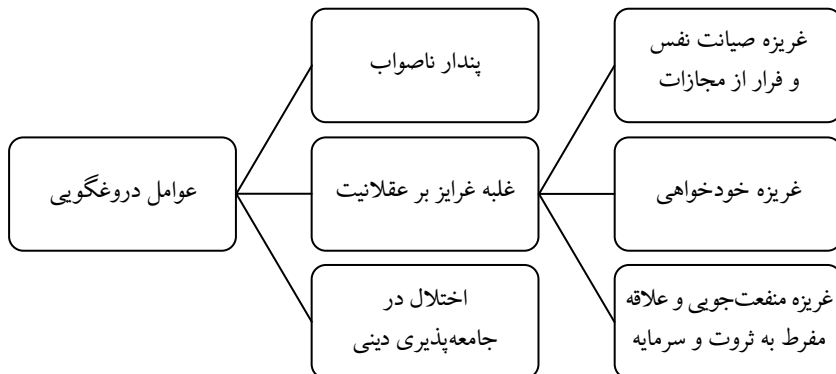
دروغ بر خداوند جلوه‌های خدا باوری را تضعیف می‌کند.

آیه ۷۲ سوره آل عمران نیز شکلی دیگر از تضعیف دینداری دروغ‌پردازان توسط اهل کتاب را بیان کرده است.

در آیه ۱۲ سوره عنکبوت، کافران دروغگو خطاب شده‌اند؛ زیرا با این عمل در صدد بودند تا با تضعیف ایمان مؤمنان، ایشان را از راه خداوند باز دارند: ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَئِذَا دِينَنَا آمَنُوا آتَيْنَا سَبِيلَنَا وَلَنَحْمِلَ خَطَايَاكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَاهُمْ مِنْ شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾.

آیه دیگری که دلالت بر این مدعا می‌کند، آیه ۱۴۴ سوره انعام است: ﴿... فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾.

شکل ۱: عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی



۲. پیامد دروغگویی

هر نابهنجاری، آثار و نتایج زیانباری به پیکر جامعه وارد می‌کند که می‌تواند وصول به اهداف را با مشکل مواجه سازد. اشاعهٔ دروغ و تکثیر دروغ نیز چنین آسیبی را بر جامعه و شخص دروغگو وارد می‌سازد. بر این اساس، به برخی از پیامدهای دروغگویی، مبتنی بر آیات اشاره می‌شود.

۱-۲. اتهام به دیگران (فرافکنی)

فرافکنی در ادبیات روان‌شناختی، سازوکاری دفاعی است که افراد برای مواجهه با احساسات و عواطف ناخوشایند به طور ناخودآگاه به کار می‌برند. در این سازوکار دفاعی، فرد به جای پذیرش و کنترل احساسات و عواطف نامطلوب خود، آن‌ها را به فرد دیگری نسبت می‌دهد. به عبارت دیگر، فرافکنی یعنی نسبت دادن ناآگاهانهٔ اعمال، عیب‌ها و امیال ناپسند خود به دیگران. آیه‌ای که دلالت بر این معنا می‌کند، آیه ۲۵ سوره یوسف است. در این آیه، همسر عزیز مصر برای رهایی از مجازات، حضرت یوسف علیه السلام را متهم ساخت:

«همسر عزیز پیشدستی کرد و از یوسف شکایت کرد که متعرض من شده و باید او را مجازات کنی» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹۱/۱۱).

تهمت همسر عزیز مصر، اگرچه خود دروغ است، در عین حال، پیامد دروغ پیشینی است که وی مرتکب شده است.

در آیه ۷۷ سوره یوسف نیز پیامد دروغ، اتهام به دیگری است. تفسیر نمونه در ذیل آیه چنین می‌نویسد:

«برادران سرانجام باور کردند که برادرشان "بنیامین" دست به سرقت زشت و شومی زده است و سابقه آن‌ها را نزد عزیز مصر به کلی خراب کرده است و لذا برای اینکه خود را تبرئه کنند، گفتند: "اگر این پسر دزدی کند، چیز عجیبی نیست؛ چرا که برادرش (یوسف) نیز قبلاً مرتکب چنین کاری شده است" که هر دو از یک پدر و مادرند و حساب آن‌ها از ما که از مادر دیگری هستیم، جداست!» ﴿قَالُوا إِنَّ يَسْرُقَ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَّهُ مِنْ قَبْلُ﴾ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۴۳/۱۰).

آیه ۲۴ سوره غافر نیز پیامد دروغ فرعونیان به حضرت موسی علیه السلام را تهمت به آن حضرت معرفی می‌کند.

«فرعونیان دو تهمت به موسی علیه السلام زدند: او را جادوگر خواندند تا تأثیر معجزات او را از بین ببرند و دروغگو خواندند تا مردم به آیات و سخنان او توجه نکنند» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۸/۱۳۷).

۲-۲. آسیب‌پذیری دروغگو

از دیگر آثار دروغگویی، ضرر و آسیبی است که متوجه دروغگو می‌شود. در آیه ۷ سوره جاثیه چنین آمده است: «وای بر هر دروغ‌زن گناه‌پیشه». تفسیر المنار در تفسیر آیه چنین می‌نویسد:

«اثم هر آن چیزی است که در آن ضرر و زیان باشد. در این صورت به گناه و قمار و خمر و مطلق کار حرام از آن جهت اثم گفته شده که ضررند و از خیر باز می‌دارند».

دروغ نیز از جنس اثم و گناه و امری نابهنجار است که دارای ضرر و زیان برای گوینده است.

آسیب دیگر طبق آموزه‌های قرآن، رسوایی است. آیه ۱۸ سوره یوسف پس از بیان پیراهن آغشته به خون، تعبیر به کذب می‌کند و تفاسیر ذیل آیه در بیان چنین دروغی می‌نویسند:

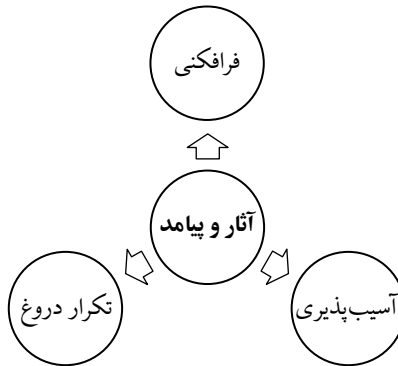
«از آنجا که یک واقعه حقیقی، پیوندهای گوناگونی با کیفیت‌ها و مسائل اطراف خود دارد که کمتر می‌توان همه آن‌ها را در تنظیم دروغین آن منظم ساخت، برادران از این نکته غافل بودند که لااقل پیراهن یوسف را از چند جا پاره کنند تا دلیل حمله گرگ باشد. آن‌ها پیراهن برادر را که صاف و سالم از تن او به در آورده بودند، خون‌آلود کرده نزد پدر آوردند. پدر هوشیار پرتجربه همین که چشمش بر آن پیراهن افتاد، همه چیز را فهمید و گفت: شما دروغ می‌گویید، "بلکه هوس‌های نفسانی شما این کار را برایتان آراسته" و این نقشه‌های شیطانی را کشیده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۴۴/۹-۳۴۵).

۲-۳. تکرار دروغ

یکی از پیامدهایی که در قرآن برای دروغگویی بیان شده است، تکرار دروغ می‌باشد.

پس از آیه ۱۱ سوره یوسف که اولین دروغ از سوی برادران یوسف بیان شد، در آیات بعد، اشکال دیگری از دروغگویی توسط ایشان بیان می‌شود تا دروغ اول را توجیه کنند. آیات ۱۲، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ بیان دروغ‌هایی است که مترتب بر دروغ اول صورت گرفته است. کم‌هوشی و ناتوانی دروغگو در تجزیه و تحلیل سلسله عوامل همزمان با دروغ اولیه، منجر به توجیه‌سازی و رفع عیب و ناراستی شده و در نتیجه دروغ‌های بعدی را شکل می‌دهد.

شکل ۳: آثار و پیامد دروغگویی

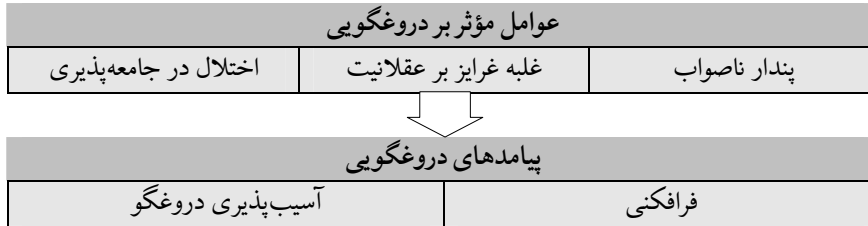


جدول کدگذاری محوری ضعف صداقت (دروغگویی) و مختصات آن مبتنی بر آیات

ردیف	مقوله‌ها	مفاهیم	خصوصیات مفهوم
۱	عوامل مؤثر بر دروغگویی	پندار ناصواب	وجود پندارهای ناصواب در آموزه‌های معرفتی
		غلبه غرایز بر عقلانیت	غریزه صیانت نفس و فرار از مجازات غریزه خودخواهی منفعت‌جویی و علاقه مفرد به ثروت و سرمایه
		اختلال در جامعه‌پذیری	عدم التزام به باورهای دینی فقدان کنش‌های مؤمنانه اختلال در کنش‌های مؤمنانه تضعیف دینداری
۲	پیامدهای دروغگویی	فرافکنی	انتساب عمل ناروای دروغگو به دیگری
		آسیب‌پذیری دروغگو	ضرر و زیان دروغگو کشف واقعیت به دلیل کاهش سطح هوشیاری دروغگو
		تکرار دروغ	توجیه‌سازی دروغ اولیه با تکرار دروغ‌های بعدی

نتیجه کدبندی گزینشی ضعف صداقت (دروغگویی) در مدل ذیل ترسیم شده است.

شکل ۴: مدل چگونگی شکل‌گیری ضعف صداقت مبتنی بر دروغگویی



نتیجه‌گیری

در این مجال تلاش شده به پرسش‌های اصلی و فرعی تحقیق بر اساس مدل چگونگی شکل‌گیری دروغ بر اساس آموزه‌های قرآنی به گونه‌ای پاسخ داده شود که ضمن فراهم شدن امکان مرور سریع نتایج پژوهش برای خوانندگان، آمادگی لازم برای بحث و نتیجه‌گیری نهایی درباره موضوع مورد بررسی به دست آید.

پاسخ به پرسش اصلی تحقیق، به استخراج و تحلیل عوامل فردی - اجتماعی مؤثر بر تعاملات و فرایندهای منجر به دروغ اختصاص یافته و در قسمت پایانی نیز درباره آثار و پیامدهای دروغ بحث شده است.

دلایل وقوع دروغ به عنوان مقوله محوری در سه مفهوم از آیات مرتبط شناسایی شد. ابتدا از پندارهای ناصواب، سخن به میان آمد و تأثیر پندارهای ناصواب در آموزه‌های معرفتی بر اساس آیات قرآن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت که چگونه می‌تواند بر شکل‌گیری دروغ مؤثر باشد.

از قابلیت‌های دوگانه غرایز و فطرت‌های کمال‌جویانه به عنوان دومین عامل یاد شد و اینکه اگر مدیریت عقلانی بر تصمیم‌گیری‌ها صورت نگیرد و غرایز بر آدمی سلطه یابد، ضعف صداقت شکل می‌گیرد. غرایز منفعت‌جویی و علاقه مفراط به ثروت و سرمایه، خودخواهی و صیانت نفس و فرار از مجازات مورد بحث و بررسی قرار گرفت و از فریب دیگران و روش‌هایی که دروغ‌پردازان در این مسیر بدان تمسک می‌جویند، مانند برجسته ساختن احساسات و عواطف دروغین و تهیج آن‌ها که منجر به گسست

بین جامعه متدینان می‌شود، سخن گفته شد.

مجازات سازوکار جبران‌کننده نابهنجاری است که از سوی شخص نابهنجار پرداخت می‌شود. دروغگو برای فرار از چنین پیامدی، بر خلاف واقعیت سخن می‌گوید. حسادت به عنوان یکی از دلایل وقوع دروغ از آنجا ناشی می‌شود که شخص بین انتظارات و واقعیت زندگی، شکاف عمیقی ببیند و قادر به داوری شایسته و پسندیده‌ای نباشد، که در اینجا به دروغ‌پردازی و قلب واقعیت روی می‌آورد.

اختلال در فرایند جامعه‌پذیری دینی و دروغ بر خداوند به منظور تضعیف دینداری، از دیگر عوامل ضعف صداقت شمرده شد تا بدین وسیله جلوه‌های خدا‌باوری را تضعیف کرده و از اهمیت نهاد دین در جامعه بکاهد و زمینه‌ساز گمراهی اعضای جامعه شود.

در پایان، آثار و پیامدهای دروغ‌افکنی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و الگوی چگونگی شکل‌گیری ضعف صداقت مبتنی بر دروغ‌گویی و تعاملات مأخوذ از آن و پیامدهای آن ترسیم شد.

کتاب‌شناسی

۱. امیرکافی، مهدی، «اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن»، *فصلنامه نمایه پژوهش*، دوره پنجم، شماره ۱۸، تابستان ۱۳۸۰ ش.
۲. ایروانی، جواد، «اصل "صداقت" در قرآن و تحلیل موارد جواز کذب»، *دوفصلنامه آموزه‌های قرآنی*، سال هشتم، شماره ۱۳، بهار و تابستان ۱۳۹۰ ش.
۳. ایمانی، محمدتقی، و محمودرضا نوشادی، «تحلیل محتوای کیفی»، *دوفصلنامه پژوهش*، سال سوم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ ش.
۴. تقی‌زاده داوری، محمود، *مجموعه مقالات اجتماعی*، قم، شیعه‌شناسی، ۱۳۸۸ ش.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، *غررالحکم و دررالكلم*، تحقیق و تصحیح سیدمهدی رجائی، چاپ دوم، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۶. جوادی یگانه، محمدرضا، «پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج اول»، گزارش کشوری، ۱۳۷۹ ش.
۷. همو، «پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان، موج دوم»، گزارش کشوری، ۱۳۸۲ ش.
۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی، و جمعی از پژوهشگران، *تفسیر قرآن مهر*، قم، پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ ش.
۹. سیلابیان طوسی، علی، «دروغ (عوامل مؤثر بر دروغ‌گویی)»، *نشریه تخصصی زبان و ادبیات دانشکده ادبیات و علوم انسانی*، دوره سی و سوم، شماره ۱-۲ (پیاپی ۱۲۸-۱۲۹)، بهار و تابستان ۱۳۷۹ ش.
۱۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، *ترجمه تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۱۱. فیلد، جان، *سرمایه اجتماعی*، تهران، کویر، ۱۳۹۲ ش.
۱۲. قاسمی، سمیه، و حسن محدثی گیلوایی، «مطالعه جامعه‌شناختی دروغ‌گویی در روابط بیناجنسی مورد زوج‌های تهران (۱۳۹۵-۱۳۹۶)»، *پژوهش‌نامه زنان*، سال هشتم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶ ش.
۱۳. کوئن، بروس، *درآمدی به جامعه‌شناسی*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، فرهنگ معاصر، ۱۳۷۴ ش.
۱۴. مدرسی، سیدمحمدتقی، *من هدی القرآن*، تهران، دار محبتی الحسین علی‌علیه، ۱۴۱۹ ق.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۱۶. نقدی، وحید، و نوین تولایی، «مطالعه جامعه‌شناختی رعایت هنجار اخلاقی صداقت در جوانان با تأکید بر روش‌های تربیتی خانواده و مدرسه»، *دوفصلنامه مسائل اجتماعی ایران*، سال چهارم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲ ش.
17. Elo, Satu & Helvi Kyngäs, The qualitative content analysis process, *Journal of Advanced Nursing*, Vol. 62(1), April 2008. wiley on line lib erary
18. Mayring, Philipp, "Qualitative Content Analysis", in: Uwe Flick & Ernst von Kardorff & Ines Steinke (Eds.), *A Companion to Qualitative Research*, London, Sage Publications, 2003.
19. Thomas, David R., "A General Inductive Approach for Analyzing Qualitative Evaluation Data", *American Journal of Evaluation*, Vol. 27(2), June 2006.